



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

AL-MONITOR

ایران در آفریقا
به دنبال چیست؟

ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، در حالی که از تمایل ایران برای اکتشاف منابع وسیع قاره آفریقا سخن می‌گفت اعلام آمادگی کرد تا فناوری‌ها و دانش فنی ایران را به کشورهای آفریقایی انتقال دهد. براساس گزارش پایگاه خبری رسمی رئیس‌جمهور ایران، رئیسی این سخنان را روز جمعه در دومین اجلاس اقتصادی ایران و آفریقا در جمع هیئت‌هایی از ۳۰ کشور آفریقایی که برای رایزنی در خصوص روابط اقتصادی در تهران گرد هم آمده بودند، بیان کرد. رئیسی با بیان اینکه این اجلاس نمادی از عزم ایران و آفریقا برای توسعه روابط است، تأکید کرد که ۱۰ هزار شرکت ایرانی که در حوزه فناوری و دانش بنیان فعالیت می‌کنند، توانسته‌اند مناسبات تجاری ایران و کشورهای آفریقایی را به سطح ۲ میلیارد دلار در سال برسانند. او تأکید کرد که محصولات دانش بنیان شرکت‌های ایرانی در کشورهای آفریقایی مشتری پیدا کرده است. او در عین حال با استفاده از فرصت این اجلاس بار دیگر بر ادبیات ضدغربی جمهوری اسلامی تکیه کرد و آمریکا و قدرت‌های اروپایی را متهم کرد که در پی «چپاول منابع و ثروت‌های کشورهای آفریقایی» هستند. او مدعی شد که برخلاف غرب، ایران به دنبال همکاری اصیل و با هدف «پیشرفت آفریقا» است.

اجلاس تهران تازه‌ترین اقدام در تلاش‌های ایران برای پیدا کردن جای پای در آفریقا بود. ایران در قاره آفریقا با رقابت بسیار شدید و سختی با چین، روسیه، کشورهای عربی منطقه و ترکیه در کنار دیگر کشورها مواجه است. روابط ایران با آفریقا در سال‌های اخیر به شکل روزافزونی بر حوزه‌های کشاورزی، معدن و پزشکی تمرکز کرده است. دولت رئیسی به‌صورت ویژه در قالب استراتژی جامع کلی‌تر ایران برای ایجاد روابط تجاری جایگزین مؤثر در دوران تحریم‌های شدید فلج‌کننده و روابط ضعیف با کشورهای غربی، روابط با کشورهای آفریقایی را در اولویت روابط خارجی اش قرار داده است. ماه ژوئیه سال گذشته رئیسی سفری به سه کشور آفریقایی کنیا، اوگاندا و زیمبابوه انجام داد. این نخستین سفر این چنینی یک‌رئیس‌جمهور ایران در یک دهه گذشته محسوب می‌شد. هیئت همراه او در این سفر بیش از ۲۰ توافقنامه همکاری با هم‌تایان‌شان امضا کردند که شامل حوزه‌های متنوعی از جمله انرژی، محصولات غذایی و مهندسی می‌شد. براساس آمار رسمی ایران، سهم ایران از بازار آفریقا تنها یک درصد است، اما مقام‌های ایرانی از جمله ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه، می‌گویند که فرصت‌های قابل توجهی برای ایران در «سرزمین فرصت‌ها» وجود دارد. با این حال به نظر می‌رسد که جاه‌طلبی‌های ایران در آفریقا فقط به تجارت و اقتصاد منحصر نمی‌شود. ایران به‌صورت روزافزونی به دنبال برقراری روابط نظامی با برخی کشورهای آفریقایی به‌ویژه در منطقه صحرائی ساحل است. در ماه‌های اخیر صادرات تسلیحات ایرانی به برخی کشورهای آفریقا مورد توجه قرار گرفته است، به‌خصوص اینکه تصور می‌شود ایران به کشور جنگ‌زده سودان پیمان ارسال کرده است. ماه ژانویه سال جاری میلادی، نیروهای حمایت سریع سودان (RSF) که در حال جنگ خونباری با ارتش این کشور است، ادعا کرد که یک پیمان ساخت ایران را که توسط ارتش سودان استفاده می‌شد، سرنگون کرده است. براساس گزارش‌ها، ارتش سودان با استفاده از پیمان‌های خانواده مهاجر ایران توانسته است دستاوردهای زیادی داشته باشد. درست هم‌زمان با افزایش فشارها بر ایران به دلیل اتهام ارسال پیمان به روسیه که به ادعای غرب در حمله به اهداف اوکراین از آنها استفاده می‌شود، مقام‌های ایرانی این گزارش‌ها را تکذیب کرده‌اند. هم‌زمان در نیجریه هم ایران متهم شده است که به دنبال منابع سرشار اورانیوم این کشور است و قصد دارد از منابع این کشور برای برنامه هسته‌ای خود استفاده کند. برنامه هسته‌ای ایران بیش از دو دهه است که محور رویارویی‌های ایران و غرب به دلیل ادعای غربی‌ها در مورد نزدیک شدن ایران به دستیابی به سلاح هسته‌ای است.



مصیبات
های
ایران

با انتقاد مستقیم از این سرکوب‌ها مغضوب و تا چند ماه پیش از وقوع انقلاب اسلامی خانه‌نشین شد. انتظام تا ۴ دی ۱۳۳۴ مقام وزارت امور خارجه را برعهده داشت و پس از آن جای خود را به علیقلی اردلان داد. هرچند دوسال از کودتا گذشته بود اما همچنان اردلان را می‌توان وزیر دولت کودتا قلمداد کرد چراکه او نیز مانند انتظام به واسطه نزدیکی و ارتباط با آمریکایی‌ها به این مقام دست یافته بود. عجیب آنکه سرنوشت این دو وزیر امور خارجه کودتا در چند ماه آخر عمر پهلوی به هم گره خورد. علیقلی اردلان که پیش از وزارت امور خارجه تجربه نمایندگی ایران در سازمان ملل و حضور در آمریکا را داشت در سال‌های پس از وزارت نیز مجدداً به عنوان سفیر ایران در واشنگتن منصوب شد و در سفر ۱۳۳۸ شاه به آمریکا مانند انتظام به خاطر انتقاد مستقیم نسبت به بی‌مبالاتی شاه از مقام خود عزل و بازنشسته شد و هر چند دوباره با شفاعت حسین علاء به سفارت ایران در شوروی و آلمان غربی دست یافت اما سیزده سال پایانی دوران پهلوی را به کار دانشگاهی و علمی روی آورد و از صحنه سیاست کنار رفت. شاه احتمالاً در ماه‌های پایانی سلطنت یک به یک کسانی را که نسبت به خطاهایش به او هشدار داده بودند به یاد آورده و از آنان برای همکاری دعوت به عمل آورد؛ دعوتی که دیگر سودی نداشت. علیقلی اردلان در پنجم مهر ۱۳۵۷ به جای امیرعباس هویدا به وزارت دربار گماشته شد و در کنار عبدالله انتظام از دی‌ماه ۱۳۵۷ عضویت شورای سلطنت را نیز کسب کرد و هر دو پس از انقلاب برای مدت کوتاهی دستگیر شده و آزاد شدند و در تهران به مرگ طبیعی درگذشتند.

علیقلی اردلان در ۵ بهمن ۱۳۷۸ در تهران متولد شد. پدرش حاج ابوالحسن فخرالملک از خانواده‌های قدیمی کردستان و از رجال عصر ناصری و مظفري و مادرش، عباسه، معروف به حاجیه والیه، دختر شاهزاده عبدالصمد میرزااعزالدوله، فرزند محمدشاه قاجار بود. پدرش پسر عمه و مادرش برادرزاده ناصرالدین شاه قاجار بود. حاج ابوالحسن فخرالملک که از هواداران مشروطه بود، در دولت مشروطه وزارت تجارت و فواید عامه را نیز برعهده داشت و از دوستان امین‌الدوله، صدراعظم روشنفکر دوران قاجار و کمال‌الملک نقش دربار ناصرالدین شاه بود. خانه خوشنویسان ایران اکنون در خانه فخرالملک مستقر است. برادر بزرگتر او امان‌الله اردلان با عمری بیش از ۱۰۵ سال دوران شش پادشاه را تجربه کرد و در دوران سه پادشاه وزیر شد. امان‌الله اردلان در دولت مهاجرین دوران جنگ جهانی اول وزارت فواید عامه را برعهده گرفت و بعدتر در دوران رضاشاه و محمدرضاشاه وزارت فواید عامه، وزارت بهداری، وزیر پیشه و هنر و بازرگانی و وزارت کشور را تجربه کرد و بارها به نمایندگی مجلس و نمایندگی سنا انتخاب شد و در سال ۱۳۶۶ پس از برادران کوچکترش در تهران درگذشت. امان‌الله اردلان که شیعه‌ای معتقد بود و همواره به سفر عتبات عالیات علاقه داشت، مدتی نیز به‌عنوان سفیر ایران در عراق منصوب شد و سه بار نیز امیرالحاج حاجیان ایرانی بود.

علیقلی اردلان؛ تحصیل و ورود به وزارت خارجه

علیقلی اردلان پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه، وارد مدرسه علوم سیاسی تهران شد و در سال ۱۳۰۱ موفق به گرفتن دیپلم گردید. در همین سال برای ادامه تحصیل به آلمان عزیمت کرد و در رشته اقتصاد و حقوق به تحصیل پرداخت و با درجه دکتری در آن رشته تحصیلات خود را به پایان رسانید؛ در این مدت با عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم برلن، در انتشار مجله فرنگستان مشارکت داشت. علیقلی پس از کسب درجه دکترا از آلمان، وابسته افتخاری سفارت ایران در برلن شد. در سال ۱۳۰۲ به ایران بازگشت و به‌عنوان مترجم به استخدام رسمی وزارت امور خارجه درآمد. پدرش فخرالملک در سال ۱۳۰۵ در تهران درگذشت. در همان زمان علی‌اکبر داور که در رأس وزارت دادگستری، به‌دنبال اصلاحات و نوسازی نظام قضایی کشور بود جوانان تحصیلکرده و اروپا‌فتره را به وزارت دادگستری انتقال می‌داد و علیقلی اردلان نیز پس از چند ماه خدمت در وزارت امور خارجه، به دادگستری انتقال یافت و اولین شغل وی معاونت پارک بادیات [مدعی‌العموم] تهران بود و بعد پارک عموم دیوان جزای عمال [آکارکنان] دولت گردید و پس از یک‌سال خدمت در دادگستری، شغل قضائی را مطابق میل خود ندید و در پایان سال ۱۳۰۹، مجدداً به وزارت امور خارجه بازگشت و در اداره اقتصادیات مشغول به کار شد. او در سال ۱۳۱۰ با سمت نایب‌سوم به سفارت ایران در واشنگتن رفت و در همان جاناتب دوم شد. در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و به وزارت دارائی انتقال یافت ولی در آن وزارت‌خانه دوام زیادی نیافت و مجدداً به وزارت امور خارجه بازگشت و مدیر شعبه تحریرات در اداره اطلاعات شد. در سال ۱۳۱۵ با سمت دبیر دوم سفارت به پاریس رفت و سپس دبیر اول و رایزن سفارت پاریس شد و چندی هم کاردار سفارت در پاریس بود. در سال ۱۳۲۰ به تهران انتقال یافت و متصدی ریاست اداره سجل و احوال شخصیه شد. پس از آن تصدی ریاست اداره سوم را برعهده‌دار شد.

وزیر امور خارجه مورد اعتماد آمریکایی‌ها

در سال ۱۳۲۲ با سمت رایزن در سفارت ترکیه به آنکارا رفت و چندی هم کاردار موقت شد و سرانجام در سال ۱۳۲۷ به معاونت سیاسی وزارت امور خارجه منصوب شد و ترقی او از این برهه آغاز شد. هرچند در دوره‌های بعدی علت ترقی اردلان را حمایت حسین علاء از او دانسته‌اند اما در این مقطع به نظر می‌رسد آشوب سیاسی و ترور عبدالحسین هزیر و تغییر سه وزیر امور خارجه موجب شد تا اردلان به یک باره به مقام وزارت امور

در سازمان ملل رابطه نزدیک و گسترده‌ای با آمریکایی‌ها داشت و با همین ویژگی نیز بود که توانست تنها ایرانی‌ای باشد که تاکنون ریاست مجمع عمومی سازمان ملل را کسب کرده است. نصرالله انتظام پیش از کودتا با کرمیت روزولت، فرمانده عملیات آمریکایی آزاکس یا سرنگونی دولت محمد مصدق آشنا بود و نگرانی خود را از ادامه دولت مصدق به او ابراز داشته بود. انتظام متهم به این است که یکی از رابطین اصلی میان آمریکا و عوامل ایرانی کودتا بوده است. انتظام که پس از سفر دکتر مصدق به آمریکا و سوءظن نسبت به او از مقام خود در واشنگتن عزل شده بود، بار دیگر پس از کودتا به مقام خود در واشنگتن بازگشت اما امتیاز مهم دیگری نیز دریافت کرد و آن هم نشان دادن برادرش عبدالله انتظام به مقام وزارت امور خارجه بود. عبدالله انتظام در برهه‌های قبلی نیز ارتقای خود را مرهون مقام برادر کوچکترش به‌عنوان رئیس تشریفات دربار در برهه مهم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران و انتقال سلطنت به محمدرضاشاه پهلوی بود. عجیب اینکه عبدالله انتظام پس از واقعه سرکوب خرداد ۱۳۴۲

منتقد شاه

مورد اعتماد آمریکایی‌ها

کارنامه دیپلماتیک علیقلی اردلان

از وزیر خارجه دولت کودتا تا آخرین وزیر دربار پهلوی



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نقش محوری و اصلی ایالات متحده آمریکا در انجام این کودتا رابطه با واشنگتن به اولویت نخست در سیاست خارجی دولت ایران بدل شد و جایگاه وزیر امور خارجه و سفیر ایران در واشنگتن اهمیتی بیش از گذشته پیدا کرد. وزیران و سفیران ایران در واشنگتن به‌عنوان مهمترین کسانی که در رابطه مستقیم با آمریکایی‌ها قرار می‌گرفتند، از میان افرادی انتخاب شدند که یا در کودتا نقش نزدیک و اساسی داشتند یا آمریکایی‌ها به آنان اعتماد داشتند. نصرالله انتظام اصلی‌ترین دیپلمات ایرانی بود که به واسطه سال‌ها حضور در آمریکا به‌عنوان سفیر ایران در واشنگتن و همچنین نماینده ایران